

ثانياً: في كتب السنة دوم: در کتابهای اهل سنت

أ- المهدي خليفة يبعثه الله ويصلح أمره في ليلة:

الف- مهدي، خليفه‌ای که خدا او را برمی‌انگیزد و کار او را در یک شب آماده

می‌کند:

ابن ماجه: [4084- حدثنا محمد بن يحيى وأحمد بن يوسف، قالوا: ثنا عبد الرزاق عن سفيان الثوري، عن خالد الحذاء، عن أبي قلابة، عن أبي أسماء الرحبي، عن ثوبان، قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: "يقتل عند كنزكم ثلاثة. كلهم ابن خليفة. ثم لا يصير إلى واحد منهم. ثم تطلع الرايات السود من قبل المشرق. فيقتلونكم قتلاً لم يقتله قوم". ثم ذكر شيئاً لا أحفظه. فقال "فإذا رأيتموه فبايعوه ولو حبواً على الثلج. فإنه خليفة الله، المهدي". في الزوائد: هذا إسناد صحيح. رجاله ثقات. ورواه الحاكم في المستدرک، وقال: صحيح على شرط الشيخين [سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶].

25- ابن ماجه: رسول الله (ص) فرمود: «نزد گنج شما، سه فرد می‌میرند که همه‌ی آنها فرزند خليفه هستند و به هیچ کدام (خلافت) نمی‌رسد. سپس پرچم‌های سیاه از سوی مشرق می‌آید و با شما می‌جنگند به گونه‌ای که با هیچ گروهی (این گونه) نجنگیدند»، بعد مطلبی را ذکر نمود که در ذهنم نیست. سپس گفت: «وقتی او را دیدید، با او بیعت کنید، هرچند سینه‌خیز بر روی برف‌ها، زیرا ایشان خليفه‌ی خدا، مهدي است». در زوائد گفته شده است که سند این روایت صحیح و رجالش ثقه هستند. حاکم در المستدرک آن را روایت نموده و گفته است: با شرط شیخین، صحیح است. (سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶)

وعنه: [حدثنا عبد الله حدثني أبي ثنا فضل بن دكين ثنا ياسين العجلي عن إبراهيم بن محمد بن الحنفية عن أبيه عن علي رضي الله عنه قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: المهدي منا أهل البيت يصلحه الله في ليلة] مسند أحمد: ج ٣ ص ٣٧.

26- ابن ماجه: رسول الله (ص) فرمود: «مهدى از ما اهل بيت است. خداوند (كار) او را در يك شب آماده مى كند». (مسند احمد: ج ٣ ص ٣٧)

ب- المهدي يواطئ اسمه اسم النبي واسم أبيه اسم أبيه[١٢٧]:

ب- نام مهدى (ع)، شبیه نام پیامبر (ص) و نام پدرش نام پدر پیامبر (ص) است [128]:

4086- حدثنا أبو بكر بن أبي شيبة. ثنا أحمد بن عبد الملك. ثنا أبو المريح الرقي عن زياد بن بيان، عن علي بن نفيل، عن سعيد بن المسيب، قال: كنا عند أم سلمة. فتذاكرنا المهدي. فقالت: سمعت رسول الله صلى الله عليه وسلم يقول: "المهدي من ولد فاطمة" [سنن ابن ماجه: ج ٢ ص ١٣٦٨].

27- ابن ماجه: سعيد بن مسيب مى گوید: نزد ام سلمه بوديم. از مهدى (ع) ياد نموديم. مى گفت: از رسول الله (ص) شنيدم كه فرمود: «مهدى از فرزندان فاطمه است». (سنن ابن ماجه: ج 2 ص 1368)

أبو داود السجستاني: [4282- ... عن عاصم، عن زر، عن عبد الله، عن النبي صلى الله عليه وسلم قال: (لو لم يبق من الدنيا إلا يوم) قال زائدة في حديثه: (لطول الله ذلك اليوم) ثم اتفقوا (حتى يبعث فيه رجلاً مني) أو (من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي، واسم أبيه اسم أبي) زاد في حديث فطر (يملاً الأرض قسطاً وعدلاً كما ملئت ظلماً وجوراً) وقال في حديث سفیان: (لا تذهب، أو لا تنقضي، الدنيا حتى يملك العرب رجل من أهل بيتي، يواطئ اسمه اسمي) .. [سنن أبي داود: ج ٢ ص ٣٠٩].

28- ابو داود سجستاني: پیامبر (ص) فرمود: «اگر از دنیا فقط یک روز باقی مانده باشد»، (راوی) می گوید: این عبارت هم در حدیث است: «خدا آن روز را طولانی

می‌کند» بر این عبارت اتفاق دارند: «تا این که مردی از من برانگیخته شود» یا، «از اهل بیت من است، نام او شبیه نام من است، و نام پدرش نام پدر من است» و در حدیث این عبارت هم موجود است: «زمین را پر از عدل و داد می‌کند همان گونه که از ستم و جور پر شده است». در حدیث سفیان آمده است: «دنیا به پایان نمی‌رسد تا این که بر عرب، مردی از اهل بیت من فرمان‌روایی کند، نام او شبیه نام من است...».

(سنن ابو داوود: ج ۲ ص ۳۰۹)

ج- المهدي خليفة يمانی يقود الملاحم:

ج- مهدی (ع) خلیفه‌ی یمانی است که جنگ‌ها را رهبری می‌کند:

نعيم بن حماد المروزي: [حدثنا بقية و عبد القدوس عن صفوان عن شريح بن عبيد عن كعب قال: ما المهدي إلا من قریش وما الخلافة إلا فيهم غير أن له أصلاً ونسباً في اليمن] الفتن: ۲۳۱.

29- نعيم بن حماد مروزی: كعب می‌گوید: مهدی (ع) نیست مگر از قریش و خلافت نیست مگر در میان آنها، مگر این که اصل و نَسبی در یمن دارد. (فتن: ۲۳۱)

وعنه: [حدثنا الوليد عن يزيد بن سعيد عن يزيد بن أبي عطاء عن كعب قال: فيظهر اليماني ويقتل قریش ببیت المقدس و على يديه تكون الملاحم] الفتن: ۲۳۷.

30- نعيم بن حماد مروزی: كعب می‌گوید: یمانی ظاهر می‌شود و قریش را در بیت المقدس می‌کشد و جنگ‌ها به دستان او است. (فتن: ۲۳۷)

وعنه: [قال الوليد: فأخبرني جراح عن أرطاة قال: فيجتمعون و ينظرون لمن يبائعون فبينما هم كذلك إذ سمعوا صوتاً ما قاله إنس ولا جان بايعوا فلاناً باسمه، ليس من ذي ولا ذو ولكنه خليفة يمانی] الفتن: ۲۴۱.

31- نعیم بن حماد مروزی: ارطاه می گوید: جمع می شوند و به فردی که با ایشان بیعت می شود، نگاه می کنند. در این حال صدایی می شنوند که نه انسان آن را گفته است و نه جن: با فلانی به نامش بیعت کنید، نه از این سمت است و نه از آن سمت، ولی ایشان خلیفه‌ی یمانی است. (فتن: ۲۴۱)

د- المهدي من ولد الحسين (ع) ومبدؤه المشرق:

د- مهدی از فرزندان حسین (ع) و آغاز (حرکت) او از مشرق است:

نعیم بن حماد المروزي: [حدثنا الوليد ورشدین عن ابن لهيعة عن أبي قبيل عن عبد الله بن عمرو رضي الله عنهما قال: يخرج رجل من ولد الحسين من قبل المشرق ولو استقبلته الجبال لهدمها واتخذ فيها طرقاتاً] الفتن: ص ۲۳۹.

32- نعیم بن حماد مروزی: عبدالله بن عمرو می گوید: مردی از فرزندان حسین (ع) از مشرق خروج می کند. اگر کوه‌ها در برابر او بایستند، آن را مُنهدم می کند و در آن راهی به وجود می آورد. (فتن: ۲۳۹)

يوسف بن يحيى المقدسي الشافعي: [وعن جابر بن يزيد الجعفي، قال: قال أبو جعفر (ع): ... والمهدي، يا جابر، رجل من ولد الحسين، يصلح الله له أمره في ليلة واحدة ...

33- يوسف بن يحيى مقدسی شافعی: از جابر بن یزید جعفی: امام باقر (ع) فرمود: «... ای جابر! مهدی، مردی از فرزندان حسین (ع) است که خدا امر او را در یک شب آماده می کند...»

عن أمير المؤمنين علي بن أبي طالب (ع) (في وصف المهدي): ... ألا أصفه لكم، لا وإن الدهر فينا قسمت حدوده، ولنا أخذت عهوده، وإلينا ترد شهوده، ألا وإن أهل حرم الله عز وجل سيطلبون لنا بالفضل من عرف عودتنا فهو مشاهدنا، ألا فهو

أشبه خلق الله عز وجل برسول الله صلى الله عليه وسلم واسمه على اسمه، واسم أبيه على اسم أبيه، من ولد ابنة محمد، صلى الله عليه وسلم من ولد الحسين، ألا فمن تولى غيره لعنه الله] عقد الدرر في أخبار المهدي المنتظر: ص ۸۹ - ۹۵.

امیرالمؤمنین (ع)، علی بن ابی طالب (ع) در توصیف مهدی (ع)، می فرماید: «.... آیا او را برایتان توصیف نکنم؟ روزگار برای ما تقسیم شده و پیمانهای آن برای ما گرفته شده است، و شاهدان آن به سوی ما برمی گردند. به گوش باشید، اهل حرم خداوند عزوجل خواهان فضل ما هستند و کسی که بازگشت ما را باور داشته باشد، ما را خواهد دید. آگاه باشید که او شبیه ترین فرد به رسول الله (ص) است. و نام او نام پیامبر (ص) است، و نام پدرش، نام پدر او است، از فرزندان دختر محمد (ص)، از فرزندان حسین (ع). به گوش باشید! هر فردی که ولایت غیر او را دارد، لعنت خدا بر او». (عقد الدرر فی اخبار مهدی منتظر: ص ۸۹ تا ۹۵)

ابن ماجه: [4082- حدثنا عثمان بن أبي شيبة. ثنا معاوية بن هشام. ثنا علي بن صالح عن يزيد بن أبي زياد، عن إبراهيم، عن علقمة، عن عبد الله، قال: بينما نحن عند رسول الله صلى الله عليه وسلم إذ أقبل فتية من بني هاشم. فلما رآهم النبي صلى الله عليه وسلم، أغر ورقت عيناه وتغير لونه. قال، فقلت: ما نزال نرى في وجهك شيئاً نكرهه. فقال: "إنا أهل بيت اختار الله لنا الآخرة على الدنيا. وإن أهل بيتي سيلقون بعدي بلاء وتشريداً وتطريداً. حتى يأتي قوم من قبل المشرق معهم رايات سود. فيسألون الخير، فلا يعطونه. فيقاتلون فينصرون. فيعطون ما- سألوها. فلا يقبلونه. حتى يدفعوها إلى رجل من أهل بيتي فيملؤها قسطاً، كما ملؤها جوراً. فمن أدرك ذلك منكم، فليأتهم ولو حبواً على الثلج]" سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶.

34- ابن ماجه: عبدالله می گوید: وقتی نزد رسول الله (ص) بودیم، جوانانی از بنی هاشم آمدند. وقتی پیامبر (ص) آنها را دید، اشک هایش سرازیر شد و رنگش تغییر کرد. (راوی) می گوید: عرض نمودم: چیز ناخوشایندی در چهره ی شما می بینیم. فرمود: «ما اهل بيتي هستيم که خدا برای ما، آخرت را بر دنیا ترجیح داده است. اهل بيت من، بعد از من دچار بلا و طرد شدن می شود، تا این که گروهی از سوی مشرق

می آیند که همراه آنها پرچم‌های سیاه است. خیر و خوبی را طلب می‌کنند، ولی به آنها نمی‌دهند. می‌جنگند تا این که پیروز می‌شوند. آنچه می‌خواستند، به آنها داده می‌شود، ولی آن را قبول نمی‌کنند، تا این که آن را به مردی از اهل بیت من می‌دهند که زمین را از عدل پُر می‌کند همان گونه که از ستم پُر شده است. هر فردی که آن زمان را درک کند، به سوی آنها برود هر چند سینه خیز بر روی برف». (سنن ابن ماجه: ج ۲ ص ۱۳۶۶)

المتقي الهندي: [39680- عن محمد ابن الحنفية أن علي بن أبي طالب قال يوماً في مجلسه: ... والذي فلق الحبة وبرأ النسمة لا يزال ملك بني أمية ثابتاً لهم حتى يملك زنديقهم ... ومنهم السناط الخليع يبايعه جل أهل الشام، ثم يسير إليه حماز الجزيرة من مدينة الأوثان، فيقاتله الخليع ويغلب على الخزائن، فيقاتله من دمشق إلى حران، ويعمل عمل الجبابرة الأولى، فيغضب الله من السماء لكل عمله، فيبعث عليه فتى من قبل المشرق يدعو إلى أهل بيت النبي صلى الله عليه وسلم، هم أصحاب الرايات السود المستضعفون، فيعزهم الله وينزل عليهم النصر، فلا يقاتلهم أحد. إلا هزموه ...] كنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۹۶.

35- متقی هندی: محمد بن حنفیه می‌گوید: روزی علی بن ابی طالب (ع) در مجلس خود فرمود: «...قسم به خدایی که دانه را شکافت و انسان را آفرید، سلطنت بنی امیه ثابت می‌ماند تا این که زندیق (کافر) آنها به فرمان‌روایی برسد... از میان آنها فردی بدون ریش (به نام) «خلیع» است که همه‌ی مردم شام با او بیعت می‌کنند. بعد... از سوی جزیره از شهر بت‌ها به سوی او می‌آید. خلیع با وی می‌جنگد و بر گنجینه‌ها دست می‌یابد. با او از دمشق تا حران می‌جنگند. او همانند کارهای ستم‌گران اول عمل می‌کند. خدا از آسمان از او به خاطر کارش خشمگین می‌شود. خدا به سوی آنها جوانی از سوی مشرق که به اهل بیت پیامبر (ص) دعوت می‌کند، می‌فرستد. آنها اصحاب پرچم‌های سیاه مُستضعفان هستند. خدا آنها را عزیز می‌کند و یاری را بر آنها

می فرستد. فردی با آنها نمی جنگد مگر این که او را از بین می برند...». (کنز العمال: ج ۱۴ ص ۵۹۶)

ه- عمره و وصفه الجسدي:

ه- عمر و ویژگی جسمانی او:

نعيم بن حماد المروزي: [حدثنا الوليد عن سعيد عن قتادة عن عبد الله بن الحارث قال: يخرج المهدي وهو ابن أربعين سنة كأنه رجل من بني إسرائيل] الفتن: ۲۲۵.

36- نعيم بن حماد مروزی: عبدالله بن حارث می گوید: مهدی (ع) خروج می کند، درحالی که چهل ساله است، گویی مردی از بنی اسرائیل است. (فتن: ۲۲۵)

وعنه: [حدثنا ابن وهب عن إسحاق بن يحيى بن طلحة التيمي عن طاوس قال قال علي بن أبي طالب رضي الله عنه: هو فتى من قريش آدم ضرب (الرجل الخفيف اللحم) من الرجال] الفتن: ص ۲۲۶.

37- نعيم بن حماد مروزی: علی بن ابی طالب (رض) فرمود: «او جوانی از قریش است، انسان است (از گوشت و پوست است) و از مردان می باشد...». (فتن: ص ۲۲۶)

العجلوني: [2661-..... ومنها ما أخرجه الروياني في مسنده وأبو نعيم عن حذيفة قال: قال رسول الله صلى الله عليه وسلم: المهدي رجل من ولدي لونه لون عربي وجسمه جسم إسرائيل علي خده الأيمن خال كأنه كوكب دري يملأ الأرض عدلاً كما ملئت جوراً يرضى بخلافته أهل الأرض وأهل السماء والطيور في الجوف] كشف الخفاء: ص ۲۸۸.

38- عجلونی: رسول الله (ص) فرمود: «مهدی فردی از فرزندان من است. رنگ (پوست) او، رنگ عربی است، و جسم او جسم اسرائیلی است. بر گونه‌ی راستش خال است. مانند ستاره‌ای درخشان است. زمین را پراز عدل می کند همان طور که از ستم

پر شده است. در خلافت او، مردم زمین و اهل آسمان و پرندگان در هوا خوشنود می‌شوند». (کشف الخفاء: ص ۲۸۸)

* * *

[127] - لا يخفى أنّ المواطنة تعني المشابهة، والمهدي أحمد الحسن جاءهم اليوم تماماً كما وعد جده (ص)، فاسمه يواطئ اسم النبي (أي أحمد) واسم أبيه يوطئ اسم أبي النبي (أي إسماعيل)، وقد قال (ص): (أنا ابن الذبيحين عبد الله وإسماعيل).
[128] - پوشیده نیست که منظور از «یواطئ» تشابه و شباهت است، و مهدی احمدالحسن (ص) امروز، دقیقاً آن گونه که جدش (ص) وعده داده است، آمده است؛ نام او شبیه نام پیامبر (ص) یعنی «احمد» و نام پدرش شبیه نام پدر پیامبر (ص) «اسماعیل» است. پیامبر (ص) فرمود: «من فرزند دو قربانی هستم، عبدالله و اسماعیل»